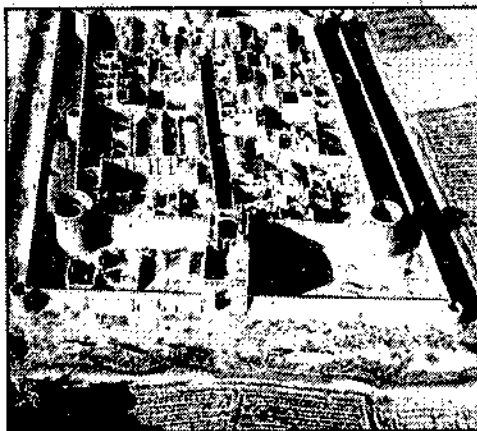


جغرافیای تاریخی

ارزیابی گذشته، تصویر آینده

مهر دیباج



گرفتند در مواردی ضعف و کهنگی را در این دسته از آثار وارد کرده است. اما محققان ایرانی رشتتهای از تالیفات را و وجه همت خود ساخته‌اند که سرآغاز آن را مسعود خان کیهان باید شمرد و سپس انتشاراتی که اساساً جنبه نظامی داشت در دنبال آمد و از آنجا که این آثار تلفیقی از تاریخ و جغرافیا بود و سابق بر این رشته واحد تاریخ و جغرافیا وجود داشت آثار این دسته از پیشکسوتان در حقیقت در باب تاریخ و جغرافیاست. آثاری که مرحومان عباس اقبال و جهانگیر قائم مقامی در مورد خلیج فارس فراهم آوردند یا تالیفات مشکور در زمینه تاریخ و جغرافیای تبریز و نیز جغرافیای تاریخی ایران باستان و آخرین دسته از این نوع تحقیقات اثر استاد عزیزالله بیات تحت عنوان کلیات جغرافیای فلسفی و تاریخی ایران است. این دسته از آثار شایسته به مونوگرافی دارند و در مواردی به تاریخهای محلی مشابهت می‌یابند.

۳. آن دسته از آثاری که با مطالعات میدانی فراهم آمده‌اند یعنی اساس آنها را پیمایش اراضی و آبادی‌ها و آب‌و‌هوا و آثار تاریخی تشکیل می‌دهد. چنین آثاری در حقیقت آمیزه‌ای از تاریخ باستان‌شناسی و جغرافیاست. تحقیقات و تالیفات دکتر ستوده، بخصوص مجموعه آثار از استادا تا استریاد تحقیقات و تالیفات استاد احمد اقتداری در کتابهایی چون آثار تاریخی شهرهای باستانی خلیج فارس، خوزستان و کوه‌گلیویه اثر دو جلدی استاد ایرج افشاریزدی تحت عنوان یادگارهای یزد تحقیقاتی که بوسیله پیتروولی در مورد قلاع حشاشین (اسماعیلیه) صورت گرفته و اخیراً نیز مرحوم دکتر محمد فاروق فرقانی در زمینه قلاع اسماعیلیه قهستان داشتند را می‌توان در این ردیف به شمار آورد. شاخه‌ای از این تحقیقات جنبه جغرافیایی اقتصادی خاصی یافته‌اند مانند تلاشهایی که محققان ژاپنی از جمله کامیوکا در مورد راه‌های ارتباطی جنوب فارس داشته‌اند و پیش از آنان ژان اوین فرانسوی در این زمینه تالیفاتی فراهم آورده بودند. شعبه‌ای دیگر جنبه فرهنگی و تاریخی قوی‌تر دارند مانند آثاری که دکتر باستانی پاریزی در مورد کویر و کرمان عرضه کرده‌اند.

در سالهای اخیر مضمون‌های مردم‌شناسی نیز بدین قلمرو رسوخ کرده و بعضی از آثار تحقیقی را در مورد تحقیقات عشایری یا شهرنشینی موجب شده‌اند. تحقیقاتی که در زمینه تاریخ عشایر صورت گرفته پیوند بیشتری با جغرافیای طبیعی داشته و آنچه که مربوط به تاریخ و تطور زندگی شهرنشینی بوده متکی به جغرافیای شهری بوده است. نوسان شدید این آثار میان تاریخ و علوم دیگر در مواردی اطلاق جغرافیای تاریخی بر آنها را

هم اکنون درس جغرافیای تاریخی فقط در بخشهای تاریخ دانشگاهها عرضه می‌شود و از جمله دروسی است که دانشجویان رشته تاریخ فرا می‌گیرند. سالیانست که این درس از گروههای جغرافیا و برنامه درسی دانشجویان آن رشته برداشته شده است. نظر به تحولات دانش جغرافیا و اینکه به روش‌های تجربی و ریاضی بسیار نزدیک شده است و به روز بودن اطلاعات پایه‌ای اساسی در تحقیقات جغرافی‌دانان به شمار می‌آید چنانکه از امار و اطلاعات ماهواره‌ای بهره فراوان می‌برند نیز سروکار داشتن اهل تاریخ با متون قدیمه و توانایی و تسلطی که در درک شرایط زمانهای ماضی دارند چنین تفکیکی را موجب شده است. اما بدون شک یک مورخ، توانایی جغرافی‌دان در بررسی علمی پدیده‌های جغرافیایی را ندارد. جغرافی‌دان مورخ در گذار از یک توصیف جغرافیایی به تحلیلی علمی از پدیده‌های جغرافیایی موفق‌تر خواهد بود. بدین لحاظ با همه قوتی که در روشهای استنادی مربوط به جغرافیای تاریخی توسط مورخان دیده می‌شود اما از نظر فنی و علمی منطبق و مطابق با دانش جدید جغرافیا نیست و چنانکه از جغرافیای توصیفی فراتر نمی‌رود. لازم است اهل جغرافیا در ضرورت‌های علمی و برنامه‌ریزی‌های مناسب برای این حوزه، مباحث جغرافیای تاریخی را محل التفات و اهتمام قرار دهند و بدین ترتیب بر غنا و قوت تحقیقات جغرافیای تاریخی بیافزایند.

آنچه در فوق آمد در قدم اول ایراد و اشکال خود را از این به بعد آشکار می‌سازد که مباحث جغرافیای تاریخی نزد ما فاقد مبانی نظری است. تعریفی از جغرافیای تاریخی و بیان قواعدی از آن که راهنمای عمل محقق باشد تاکنون در دسترس محقق ایرانی قرار نگرفته است. صرفاً استنباط شخصی و وسیع مورخ راهنمای علمی و عملی او در تحقیقات جغرافیایی است. فقدان مبانی نظری و قواعد و اصول در رویکرد به جغرافیای تاریخی معمولاً موجب ضعف روشی این تحقیقات شده است و دامنه آن را تا بنان حد گسترش داده که ارائه یک تعریف و طبقه‌بندی از همه آنها را با اشکال و مشکل مواجه ساخته است. لازم است در تلاشی مشترک اهل تاریخ و جغرافیا نسبت به فراهم آوردن مبانی نظری و جنبه‌های روشی جغرافیای تاریخی اهتمام ورزند. بیشترین مشکلی که تاکنون در عرصه جغرافیای تاریخی پدید آمده و در آینده نیز بیشتر رخ خواهد داد مربوط به آن قسمت از مباحث جغرافیای تاریخی است که به جغرافیای شهری و تاریخ شهرنشینی ایرانیان مربوط می‌شود.

مشکل می‌سازد. آثار کسانی چون جعفر شهری و ناصر نجمی و گرامت‌الله افسر و نیز سکندر امان‌الهی و منوچهر گیانی و جمع کثیر دیگری را می‌توان در این ردیف برشمرد.

آخرین دسته از تحقیقات در زمینه ایرانیان را که متأثر از جغرافیای تاریخی مربوط به توپونومی یا شناخت وجه تسمیه امکان بوده است. این آثار که از جنبه عامی تا علمی را در برمی‌گیرند در سالیان اخیر چون جالب و دارای جنبه دانسته شده، توسعه بسیار یافته‌اند و معمولاً تمام یا بخشی از یک اثر را شامل شده‌اند. کسانی چون مهرالزمان نوبان و ایرج افشارسیستانی بر این سیاق رفته‌اند. جنبه غیر حرفه‌ای این تحقیقات که آنها را در کنار مونوگرافی‌های بزرگ و کوچک اعم از شهرها و استانها قرار می‌دهد، آمیزه سرگردان کننده‌ای از تحقیقات و تالیفات جغرافیای تاریخی را فراهم آورده که ارزیابی تک‌تک آنها مستلزم صرف وقت بسیار است و این در حالی است که در مورد ارزش چنین نقادی‌هایی جای تردید وجود دارد.

شاید بتوان تقسیم‌بندی‌های دیگر و دقیق‌تری از مجموعه انتشارات وانیتات جغرافیای تاریخی ایرانیان بدست داد و بدون شک هر متنی اعم از تاریخی، شرح حال رجال، سفرنامه، دیوان شعر، عرفانی و جغرافیایی و غیره ممکن است اطلاعاتی در خصوص جغرافیای تاریخی در اختیار محقق بگذارد و خوشبختانه در این خصوص بسیار غنی هستیم. اما توسعه و ترقی دانش جغرافیای تاریخی مستلزم توجه به نکاتی است که اساساً جنبه فنی و روشی دارد تا ترقی اساسی در کیفیت آثاری که بوجود می‌آیند صورت گیرد.

دانش جغرافیای تاریخی ما از حد کلیات و بیان صورت های آشکار و مشخص پدیده های جغرافیای طبیعی چندان فراتر نرفته است. در نتیجه راجع به محتوا و ماهیت جغرافیای انسانی جامعه گذشته ما تحقیقات کامل و کافی در دست نیست. از آنجا که در یکصد سال اخیر زندگی شهری ایرانیان دچار تحول بسیار آنهم توأم با گسترش جوامع و جمعیت های شهری شده است و نظارت شهرنشینی نیز سخت دگرگون شده است بدون شک از این پس در مباحث جغرافیای تاریخی اطلاعات مربوط به جغرافیای شهری ماخوذ از اسناد و نشریات و مراکز اداری شهری چون شهرداری ها و ادارات مربوط به مسکن و آمار و غیره نقش اساسی خواهد یافت. دانش تاریخی کنونی ما و برنامه های درسی آن فاقد توانایی و پیش بینی لازم برای تربیت نیرو و تدارک پاسخگویی به چنین نیازی است. این نیاز با عنایت به مبادی و مبانی نظری جغرافیای تاریخی و توسعه مباحث جغرافیای تاریخی، به عرصه های نوین منطبق با تحولات این روزگار ممکن و میسر خواهد شد.

جغرافیای تاریخی برای ما تاکنون بیشتر مبتنی بر مطالعات ناحیه ای و همیشه با تاریخ های محلی بوده است. این اگر چه با محلی گرایی Localism و محلی اندیشی Parochialism نسبتی دارد اما سابقه ای بس دیرینه دارد و منطبق با قواعد جغرافیای حاکم بر زندگی و فرهنگ گذشته ما بوده است. در چنین شرایطی تحقیقات جغرافیای تاریخی در کلان ملی (به نسبت محلی) حضوری کم رنگ می یابند. تاکنون ابعاد ملی (کشوری) زندگی گذشته ایرانیان کمتر وارد تحقیقات جغرافیای تاریخی شده است و تحلیل هایی که از این نوع مطالعات منبث باشد بسیار اندک هستند. در حالی که در کشورهای اروپایی این نوع از تحقیقات جغرافیای تاریخی توسعه و ترقی خاصی داشته اند. بدون شک شرایط و الزامات آن جوامع در گسترش چنین تحقیقاتی نقش داشته است اما لاجرم در این دوران ما نیز از عطف توجه بدان گریزی نداریم. معهود آثاری چون ایران نامک نوشته امان الله قرشی (تهران ۱۳۷۳) وجود دارد.

بسیاری از زوایای جغرافیای تاریخی ما تاکنون در پرتو نگرش های عام به این مبحث مهم مانده و پرتو روشنی بخش بر آنها افکنده نشده است. تحقیقات توأم با نکته سنجی و اختصاص توجه می تواند به راهگشایی در حل و فصل این ابهامات کمک بسیار کند. آثاری چون تحقیقات جغرافیای راجع به ایران اثر الفونس گابریل و چهارسو و نگرشی کوتاه بر تاریخ و جغرافیای تاریخی نوشته حسین شهیدی (تهران، ۱۳۶۵) متأسفانه اندک هستند و لازم است بیشتر فراهم آیند.

توسعه تحقیقات جغرافیای چنانکه گذشت راهگشای مباحث جدیدی در تاریخ و جغرافیای ایران خواهد شد. این بدان معنی نیست که آنچه را تاکنون عرضه و ارائه شده است از نظر دور بداریم. ادامه تصحیح و انتشار آثار جغرافیای تاریخی همچنان لازم است، ادامه یابد و آثار بزرگی چون مسالک الابصار نوشته ابن فضل الله در ۲۶ جلد و آثار مقریزی و دیگران که هنوز به فارسی زبانان عرضه نشده است مورد توجه قرار گیرد.

کتابشناسی

جغرافیای تاریخی اسلام و ایران

○ نصرالله صالحی

نخستین آثار جغرافیای عمده «مسالک و ممالک» اختصاص داشت زیرا رونق تجارت و گسترش رفت و آمد و اهمیت بسیار زیاد نظام پستی (برید) چنین ایجاب می کرد که راهها و فواصل (مسالک) و شهرها و سرزمین ها و کشورها (ممالک) به طور دقیق مورد شناسایی قرار گیرد. در این زمینه ابن خردادبه که خود ریاست دیوان برید را برعهده داشته با تألیف المسالک و الممالک خود نقش تعیین کننده ای در پایه گذاری دانش جغرافیای مسلمانان ایفاء کرد تا جایی که او را پدر جغرافیا^۱ و اثرش را نخستین اثر جغرافیای دانسته اند.^۲ گذشته از کتب مستقل مربوط به جغرافیا، می بایست اولین سفرنامه هایی را که در میان مسلمانان پدید آمد به عنوان سومین دسته از تألیفات به حساب آورد که حاوی مطالبی در حوزه جغرافیای تاریخی هستند.

از آن جمله اند سفرنامه بسیار ارزشمند ابن فضلان و بعد ابودلف و سفرنامه های دیگری که در این کتابشناسی به آنها اشاره شده است.

این کتابشناسی اگرچه با معرفی ابن خردادبه و اثر معروفش که به نیمه دوم قرن سوم هجری تعلق دارد آغاز شده اما باید توجه داشت که جغرافی نگاران دیگری نیز بوده اند که در واقع آغازگر این دانش به حساب می آمدند. از جمله: هشام بن محمد الکلبی و یا

با آغاز فتوحات مسلمین، اعراب مسلمان به تدریج به سرزمین های تازه ای گام گناشتند. این امر آنان را به مناطق و ممالکی کشاند که تا پیش از آن چندان برایشان آشنا نبود. لذا شناخت راه ها، قریه ها، شهرها و کشورهای متفوحه ضرورتی غیر قابل انکار یافت. از سوی دیگر هر چه از زمان یکپارچه شدن بخشی از دنیای مسکون بر اثر فتوحات مسلمین گذشت و دستگامه خلافت بر سرزمین های بیشتری تسلط یافته آشنایی با مناطق جدیدتر و برقراری ارتباط میان بلاد دور دست اسلام با مرکز خلافت از ضرورت بیشتری برخوردار گردید علاوه بر این دو عامل که نقش اساسی در توجه مسلمین به جغرافیا داشته بایستی عوامل دیگری را نیز اضافه کرد از آن جمله: آشنایی مسلمین بلدانش و علوم سرزمین های دیگر بویژه ایران و یونان، گسترش تجارت و بازرگانی در اثر یکپارچه شدن قلمرو اسلام، ضرورت لزوم محاسبات و نظم دقیق برای اخذ خراج و مالیات سفر حج و تعیین قیله و مانند آن. این عوامل باعث شد که مسلمین «لزوم تعیین دقیق وضع و موقع اماکن را» دریابند. از این رو در آثاری که از اوایل قرن سوم تألیف گردید توجه خاصی بر جغرافیا نشان داده شد. در ابتدا مباحث مربوط به جغرافیا در کتب های تاریخی بطور جسته و گریخته راه یافت و سپس بطور عمده در کتب و منابع جغرافیایی و سفرنامه ها نمود یافت.